

## جریان‌ات عدالت‌خواه و کارگران «بدبخت»

«اگه ما این‌جاییم، بذار کتکش رو ما بخوریم، بذار این آقا تصویربرداریش رو از ما بکنه، فحشش رو به ما بده، باتومش رو به ما بزنه. ولی نزارین دستمزد این بدبختا رو اون‌جا همین ۲۷ درصد ۳۰ درصد تصویب بشه دوباره یه سال دیگه ما درگیر اعتراضات کارگری کف همین خیابون باشیم.»

این سخنان نماینده‌ی دانشجویان عدالت‌خواه مسلمان در تجمع مقابل وزارت کار در روز ۲۶ اسفند ۱۴۰۲ است. تجمعی که در اعتراض به «سرکوب حداقل دستمزد» صورت گرفت.

ماهیت هیچ جریان سیاسی را نمی‌توان صرفاً از آن‌چه خود درباره خویشتن می‌گوید شناخت. برای این شناخت باید به اعمال ایشان نگریست. ولی گاهی اوقات حرف دل انسان، ناخودآگاه بر زبان جاری می‌گردد و ماهیت‌اش در سخن هویدا می‌شود. هیچ جریان سیاسی سرمایه‌دارانه‌ای در ایران تاکنون خود را دشمن طبقه‌ی کارگر معرفی نکرده است، اما در عمل، همه‌ی ایشان کاری جز فقیرکردن طبقه کارگر به نفع طبقه‌ی سرمایه‌دار انجام نداده‌اند. برای این‌که رد اعمال واقعی‌شان را در سخنان‌شان بکاویم باید در میان انبوه سخنان ریاکارانه‌شان به انتظار شکار لحظه‌هایی بنشینیم که ناخودآگاه ایشان به سخن می‌آید.

آحاد طبقه‌ی متوسط و خرده بورژواها خود را افرادی لایق و بااستعداد می‌انگارند که در ازای لیاقت و استعدادشان قادر به کسب درآمدی بالاتر از توده‌های کارگر و زحمت‌کش شده‌اند. از نظر ایشان، چرخ جامعه نه با نیروی کار و زحمت کارگران و زحمت‌کشان، بلکه با درایت ایشان در امر کاسبی و مدیریت به حرکت در می‌آید. کارگران و زحمت‌کشان در نظر ایشان آحادی بی‌سواد، بی‌فرهنگ و «بدبخت» هستند. هنگامی که یک طبقه‌ی متوسطی و خرده بورژوا از مشاهده‌ی وضعیت اربابان سرمایه‌دارش احساس حسد و حقد و حقارت می‌کند و یا به دلیل افراط در کاربرد دوز و کلک در کاسبی و زیاده‌روی کثافت‌آمیز در لذت‌طلبی مصرف‌گرایانه با عذاب وجدان مواجه می‌شود، توجه ارزشمندش را معطوف به «این بدبختا» می‌کند تا بتواند خود را این‌گونه دل‌داری دهد که «خدا روشکر آن‌قدر هم بدبخت نیستیم.» بعد هم بخشی از پول اضافی ته‌مانده در جیبش را که مصرفی برای آن نیافته برای نذر یک موفقیت تازه در سلسله مراتب نوکری سرمایه‌داران یا شستن گناه کثافت‌کاری‌های پنهانش می‌کند.

همین طبقه‌ی بود که در سال ۸۸ وقتی متوجه شد «این بدبختا» رأیی مخالف او برگزیده‌اند، حرف دلش را آشکارا در خیابان‌های میانه و شمال شهر فریاد زد و فرودستان را «جواد مواد»‌های «سیب‌زمینی‌خور» خطاب کرد که نه برمبنای آگاهی بلکه برمبنای شکم‌شان تصمیم می‌گیرند. از نظر احمدی‌نژاد هم کارگران و زحمت‌کشان، بدبخت‌هایی محتاج صدقه بودند؛ اما گناه احمدی‌نژاد از نظر طبقه‌ی متوسط آن بود که خواست کوتولگی و بی‌کلاسی‌اش در نظرگاه این طبقه را با «پوپولیسیم» یا همان زیاده‌روی در صدقه‌دادن به طبقه‌ی کارگر جبران کند. بماند که خیلی زود معلوم شد یارانه‌های نقدی و مسکن مهر احمدی‌نژاد نیز تنها تأثیری کوتاه‌مدت و محدود بر معیشت طبقه‌ی کارگر داشتند و کارکرد اصلی‌شان هموار کردن مسیر خصوصی‌سازی‌ها و آزادسازی‌های اقتصادی به نفع سرمایه‌داران و همین طبقه‌ی متوسطی‌ها و علیه کارگران بود. نتیجه، بیش‌تر از رفع تنگناهای معیشتی کارگران، فربه‌کردن لایه‌هایی از همان سرمایه‌داران و طبقه متوسطی‌هایی بود که با تقاضای ناشی از مسکن مهر و یارانه‌های نقدی، فرصت‌های جدیدی برای سرمایه‌گذاری و کسب سود به دست آوردند.

طبقه‌ی متوسط که آمال مصرف‌گرایانه و موفقیت‌طلبانه‌ی خود را در چشم‌انداز پیوستن به به‌اصطلاح دهکده‌ی جهانی تحت سرکردگی آمریکا می‌دید، به کارناوال بنفش روحانی پیوست و تمام توان نظری و سیاسی خود را در خدمت توجیه ضرورت و مطلوبیت برجام در آورد. غافل از آن‌که آمریکا دیگر توان هضم جمهوری اسلامی در نظم خود را نداشت و با خروج از برجام، مسیر درهم‌شکستن آن را برگزید. خروش کارگران و زحمت‌کشان از فقر و فلاکت در دی ۹۶ و آبان ۹۸ نیز کم‌تر آبرویی برای اصلاح‌طلبان، نمایندگان وقت دموکراسی خواهی طبقه‌ی متوسط باقی نگذاشت.

از چندین سال پیش‌تر و، مهم‌تر، از این نقطه به بعد، قاطبه‌ی طبقه‌ی متوسط دو مسیر مجزا را پیمود. بخشی از آن به چارچوب آمریکایی آمال حقیرانه خود وفادار ماند و مسیر براندازی را برگزید و بخشی دیگر به تبعیت سیاسی از بورژوازی وفادار ماند و همراه با بورژوازیِ هر دم‌بیش‌تر گراینده به سیاست محور مقاومت گردید، تا بلکه آمال حقیر خود را در یک نظم سرمایه‌دارانه‌ی نوین جهانی در کنار کشورهای سرمایه‌دارانه قدرتمندی مانند چین و روسیه بیابد. اما این جدایی باعث تغییر در جایگاه طبقاتی‌اش و لذا نگرش‌شان نسب به طبقه‌ی کارگر نگشت.

بخش اول، در شورش «زن، زندگی، آزادی» ابتدا با ترانه‌ی «برای اقتصاد دستوری» شروین حاجی‌پور، بر داغ کارگرانی که در آبان ۹۸ در اعتراض به آزادسازی قیمت بنزین کشته‌شده بودند، ریشخند زد و سپس «این بدبختا» را برای این‌که با شورش طبقه‌ی متوسط همراهی نکردند متهم به بزدلی و حماقت نمود؛ بخش دوم هم نگران آن است که «این بدبختا» از روی گرسنگی دست به شورش بزنند و تمام برنامه‌های آن‌ها و اربابان سرمایه‌دارشان را برای بدل شدن محور مقاومت به قدرت اول منطقه، نقش بر آب کنند. پس به جلوی در وزارت کار آمده‌اند تا اربابان سرمایه‌دارشان را چنین نصیحت کنند که «ندارین دستمزد این بدبختا رو اون جا همین ۲۷ درصد ۳۰ درصد

تصویب بشه دوباره یه سال دیگه ما درگیر اعتراضات کارگری کف همین خیابون باشیم.» البته طبقه‌ی متوسطی فرومایه برای آن که صداقت خود را به اربابان‌اش نشان بدهد اولاً می‌گوید که حاضر است برای اجرای نصیحت خردمندان و دلسوزانه‌اش، باتوم و کتک را به جان پلشتش بخرد و دوماً این که حتی اگر اربابان، نصیحت چاکران دل‌سوز را اجرا نکردند نیز باز چاکران دل‌سوز، وظیفه‌ی خود برای «درگیر اعتراضات کارگری کف همین خیابون» شدن را فراموش نمی‌کنند و برای تحقق آمال مشترک‌شان با بورژوازی از سرکوب کارگران ابایی ندارند.

باید به این فرومایگان یادآوری کرد که این توان و مبارزه و خون خود طبقه‌ی کارگر بوده است که تاکنون سرمایه‌داران را در جهان و ایران مجبور به پذیرش خواست‌ها و حقوق مشخصی مانند حق آموزش رایگان، درمان رایگان، بیمه و ۸ ساعت کار روزانه کرده است. همان‌طور باید یادآوری کرد که مبارزه طبقه‌ی کارگر در برهه‌ها و مواضع متعددی در تاریخ منجر به پیروزی سیاسی و تسخیر قدرت از دست‌ان سرمایه‌داران گشته و سرمایه‌داران و نوکران خرده بورژوازی ایشان را محکوم به جایی که لایقش بودند، کرده است. طبقه‌ی کارگر نیازی به صدقه و لطف شما عدالت‌خواهان به «این بدبخت» ندارد. بدبخت، شما طبقه متوسطی‌های مفلوکی هستید که به‌خاطر موفقیت‌ها و لذت‌های مصرفی حقیرتان خود را دربست به نوکری و چاکری سرمایه‌داران درآورده‌اید و هم‌چنین بدبخت، اربابان سرمایه‌دار شما هستند که برای حفظ چندصباح جایگاه خدایگانی خود چنین جامعه‌ی بشری را به سمت انحطاط و ابتدال و جنگ و ویرانی می‌کشانند. طبقه‌ی کارگر رنج‌های زیادی به‌دلیل سلطه‌ی شما بر جامعه می‌کشد اما این رنج‌ها خوراکی است که می‌تواند به آگاهی این طبقه و آمادگی آن برای تحقق رسالت خود جهت رهبری بشریت به سمت خوشبختی و ترقی بیانجامد.

درجه و نحوه‌ی توجه سرمایه‌داران و طبقه متوسطی‌ها به کارگران تابعی از مبارزه و قدرت خود کارگران است. زمانی که طبقه‌ی کارگر با اعتصابات و راهپیمایی‌های خود، حکومت شاه را سرنگون کرد بنیان‌گذار حکومت بعدی سرمایه‌داران می‌گفت که یک تار موی کوخ‌نشینان حتی قابل مقایسه با کاخ‌نشینان نیست. زمانی که خرشان از پل گذشت و سازمان‌های متعهد به منافع طبقه‌ی کارگر را در هم شکستند، حتی ظاهرسازی برای ابراز ارادت به طبقه‌ی کارگر نیز از یادشان رفت و با کشتار کارگران در اسلام‌شهر، مشهد و خاتون‌آباد و ... مسیر حرکت چرخ توسعه‌ی سرمایه‌داری خود را هموار کردند و له‌شدن کارگران زیر چرخ توسعه را هزینه‌ی ضروری و کم‌اهمیت حرکت آن چرخ برشماردند. (۱) اکنون که نیروی اعتراضات و اعتصابات و شورش‌های کارگری لرزه بر اندام‌شان انداخته و برای پیروزی در جدال‌های منطقه‌ای و جهانی خود نیازمند مهار این نیرو هستند، نگران افزایش دستمزد کارگران شده‌اند و فردایی که خرشان دوباره از پل بگذرد، همین نگرانی کوچک‌شان نیز از یادشان می‌رود.

از نظر عدالت‌خواهان، کارگران حتی شایسته‌ی جنگیدن برای خوشبختی نیستند. «بدبختی»، سرنوشت محتوم آنان است و همان‌طور که حکم طبیعت بر چیرگی انسان بر حیوانات است، حکم جامعه نیز بر چیرگی سرمایه‌داران

و نوکران طبقه‌ی متوسطی‌شان بر کارگران است. فعلاً، طبقه‌ی متوسطی‌ها به سرمایه‌داران نهیب می‌زنند که نگران گرسنگی و شورش کارگران باشند.

تا زمانی که کارگران سلطه‌ی سرمایه‌داران را بپذیرند، هر چقدر هم که سخنان ریاکارانه از ایشان درباره اهمیت خود بشنوند، در نظر ایشان چیزی فراتر از «این بدبختا» نیستند. ممکن است سرمایه‌داران در مقابل فشار کارگران، حاضر به دادن امتیازات ریز و درشت، برای حفظ سلطه‌شان بر ایشان بشوند؛ اما هیچ‌وقت قادر و حاضر به منفک کردن کارگران از جایگاه «این بدبختا» نیستند، چرا که خوشبختی آن‌ها گره‌خورده به بدبختی کارگران است همان‌طور که سود ایشان گره‌خورده به استثمار کارگران است.

پانویس:

۱. پرویز داوودی، معاون اقتصادی وزارت اقتصاد هاشمی و معاون اول احمدی‌نژاد

(<https://snn.ir/fa/news/238294/%D8%AF%D9%88%D9%84%D8%AA-%D8%B3%D8%A7%D8%B2%D9%86%D8%AF%DA%AF%DB%8C-%D8%A7%DA%AF%D8%B1-%D8%A8%D8%B1%D8%A7%DB%8C-%D8%AA%D9%88%D8%B3%D8%B9%D9%87%E2%80%8C-%D8%A8%D8%AE%D8%B4%DB%8C-%D8%A7%D8%B2-%D9%85%D8%B1%D8%AF%D9%85-%D8%B2%DB%8C%D8%B1-%DA%86%D8%B1%D8%AE-%D8%A7%D9%82%D8%AA%D8%B5%D8%A7%D8%AF-%D9%84%D9%87-%D8%B4%D9%88%D9%86%D8%AF-%D8%A7%D8%B4%DA%A9%D8%A7%D9%84%DB%8C-%D9%86%D8%AF%D8%A7%D8%B1%D8%AF>)